

هو العليم

تفسیر آیاتی از سورهٔ اِسْرَاءِ:

﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ...﴾

(در مسجد قائم)

حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

قدس الله نفسه الزکیه

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
 وَعَالِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ
 مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ

قال الله الحكيم في كتابه الكريم:

﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخَذُولًا﴾^١ و در آیه دیگر می فرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا﴾^٢.
 بین این دو آیه پانزده آیه فاصله است، و این آیه و آن آیه با آن پانزده آیه مجموعاً می شود هفده آیه؛ یعنی إن شاء الله که مراجعه می کنید در منزل یا شاید هم مراجعه کرده باشید، - در هفته قبل در این آیات یک قدری صحبت شد - آیه اوّل آیه بیست و دوّم از سوره «إسراء» و آیه آخر آیه سی و نهم از سوره «إسراء» است.

١- سوره الإسراء (١٧) آیه ٢٢.

٢- سوره الإسراء (١٧) ذیل آیه ٣٩.

سورهٔ اِسْرَاءِ از آن سوره‌های قرآن است ها! از آن سوره‌های جانانه! همهٔ سوره‌های قرآن جانانه است، اما واقعاً بعضی از سوره‌ها هست که آدم همیشه دلش می‌خواهد بخواند آن سوره‌ها را.

ما بعضی اوقات در نماز یک خُرده سوره‌های بلند می‌خوانیم - یک خورده ها! - موردِ اعتراض واقع می‌شویم، آقا پایمان درد می‌کند! آقا عجله داریم! آقا جان عجله داری، پایت درد می‌کند، نماز را فُرادی کن و برو اگر ضرورت دارد! اگر پا درد می‌کند بنشین! امام جماعت قرائتش را می‌خواند هر جا پایتان درد گرفت، خسته شد، بنشینید گوش کنید، وقتی پایتان خوب شد دو مرتبه بلند شوید!

قاعدۀ اش این است که انسان نمی‌تواند امام را ملزم کند به اینکه حتماً مطابق میل من بخوان؛ آن هم که گفته‌اند انسان بایستی اضعف مأمومین را ملاحظه کند، اضعف مأمومین اصلاً می‌گویند: نماز نخوان! راحت! اضعف مأمومین این است! اضعف مأمومین نه نسبت به سورهٔ ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾^۱ نسبت به سوره‌های بلندی که معروف و مشهور بود می‌خواندند.

و الا انسان می‌رود دکان سبزی فروشی تا می‌گوید آقا این یکدسته تره چند است؟ این یکدسته اسفناج چند است؟ این بادمجان چند است، کمتر می‌دهی؟ نمی‌دهی؟ نیم ساعت وقت طول می‌کشد! این پا می‌کند آن پا می‌کند آقا کمرش درد نمی‌کند، معده‌اش درد نمی‌کند، تب ندارد، رماتیسم ندارد، اما سر دو رکعت نماز همهٔ این دردها می‌آید! عجله‌ها هم اینجا می‌آید! در حالتی که از اوّل سورهٔ جمعه تا آخر سورهٔ جمعه - که در وقت نماز جمعه خوانده می‌شود - من گمان

۱- سوره الإخلاص (۱۱۲) آیه ۱.

نمی‌کنم پنج دقیقه طول بکشد، پنج دقیقه طول نمی‌کشد! شاید سه دقیقه طول بکشد، حالا انسان... سه دقیقه طول می‌کشد این به حساب می‌آید!
 و علاوه ما تابع شرعیم، وقتی دستور داده شده که در شب جمعه سوره «جمعه» باید امام در نماز بخواند، مأموم می‌خواهد طاقت بیاورد می‌خواهد نیاورد.
 در روز جمعه در رکعت اول: سوره «جمعه» در رکعت دوم: سوره «منافقین» وارد شده، امام باید بخواند و مأموم باید منتظر بشود.

در روز دوشنبه صبح، و روز پنج شنبه در رکعت اول: سوره ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ﴾^۱ در رکعت دوم: سوره ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَشِيَةِ﴾^۲ وارد است؛ امام باید این سوره‌ها را بخواند.
 و در اوقات دیگر در صبح جمعه رکعت اول: سوره جمعه، رکعت دوم: سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ وارد است.

و از آن گذشته در روزها، ظهر و عصر سوره‌های کوتاه مستحب است امام بخواند، مثل: ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾^۳، ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَشِيَةِ﴾، ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾^۴، ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾^۵ اینها را بخواند!

۱- سوره الإنسان (۷۶) صدر آیه ۱.

۲- سوره العاشية (۸۸) آیه ۱.

۳- سوره اللیل (۹۲) آیه ۱.

۴- سوره الشمس (۹۱) آیه ۱.

۵- سوره الأعلى (۸۷) آیه ۱.

در مغرب یکقدری سوره‌های طولانی‌تر مثل: ﴿وَالنَّازِعَاتُ﴾^۱ و ﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾^۲ در نمازهای عشاء یکقدری بلندتر مثل: ﴿عَمَّ﴾^۳، سوره دهر: ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ﴾ سوره «الحاقة»، ﴿يَتَأْتِيَهَا الْمُزْمَلُ﴾^۴، ﴿يَتَأْتِيهَا الْمُدَّثِّرُ﴾^۵ اینها!

در نماز صبح سوره‌های بلندتر مثل سوره «حشر»، سوره: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ﴾^۶ سوره «الرحمن»، سوره‌های وارده.

این وارد شده؛ وارد شده! حالا شما بیائید به مردم بگوئید: آقا جان در نماز همیشه سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ نخوانید! آنچه وارد شده است این است که در شبانه روز سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ ترک نشود، اگر انسان همیشه سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخواند قرآن مهجور می‌شود! قرآن متروک می‌شود!

حضرت امام رضا علیه السلام روایتی که در «علل الشرایع» است فرمودند: وَ إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَقْرَأُوا الْقُرْآنَ فِي صَلَوَاتِهِمْ لِيُنَّ يَصِيحَ كِتَابُ اللَّهِ مَهْجُورًا! «مردم امر شدند که در نمازها آیات قرآن را بخوانند تا اینکه کتاب قرآن، کتاب خدا در سینه‌ها بماند، مهجور نشود، دور نیفتد، مردم همیشه با آیات قرآن سر و کار داشته باشند.»

۱- سوره النَّازِعَات (۷۹) صدر آیه ۱.

۲- سوره الْمُطَفِّفِينَ (۸۳) آیه ۱.

۳- سوره النَّبَأ (۷۸) صدر آیه ۱.

۴- سوره الْمُزْمَل (۷۳) آیه ۱.

۵- سوره الْمُدَّثِّر (۷۴) قسمتی از آیه ۱.

۶- سوره الْمُلْك (۶۷) صدر آیه ۱.

عزیز من، اگر انسان همیشه سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را بخواند کما اینکه ما همه این کار را می‌کنیم، قرآن را دور انداختیم! خُب بگوئید بینم آقا جان این سوره ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعُنْشِيِّ﴾ معنایش چیه؟ برای چی آمده؟ ﴿هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ﴾ برای چیه؟ سوره «منافقون» برای چیه؟ سوره «جمعه» برای چیه؟ اگر انسان بخواند همیشه، قرآن می‌رود توی سینه‌اش با معانی! قرآن در سینه‌ها زنده است نه در لای کتابها! پس اگر لای کتاب قرآن برود، از قرآن دور افتادیم.

این آیه‌ای که امروز قرائت کردم تفسیرش با چند آیه دنباله‌اش در سوره «إسراء» در هفته پیش گفتیم و گذشتیم؛ حالا چند آیه دنباله‌اش را بیان می‌کنیم. اینقدر این آیات شیرین است آقا! اینقدر شیرین است بجان شما قسم از عسل شیرین‌تر است! عسل کجا به گردش می‌رسد؟!

آدم بایستد در نماز سوره «بنی اسرائیل» را شروع کند سوره «إسراء» را شروع کند بخواند و کیف کند! و ما هم بعضی اوقات که با رفقای خصوصی هستیم، آنهایی که پایشان درد نمی‌گیرد، کمرشان درد نمی‌گیرد، حوصله‌شان سر نمی‌رود از این سوره‌ها می‌خوانیم.

یکمرتبه در مشهد بودیم سوره «ابراهیم» را خواندیم - با چند نفر از اهل بیت و از أرحام و قوم و خویشها و اینها بودند - اینها نگفتند و الله کمر ما درد گرفت؛ اما در یک سفری که در مکه بودیم از سوره‌های بزرگ می‌خواندیم، وارد مکه شدیم، وارد مکه شدیم و من هوسم شد که سوره «ابراهیم» را بخوانم در نماز؛ گفتم: رفقا سوره «ابراهیم» بخوانم حال دارید؟ حال ندارید؟ همچنین یک خُرده بعضی‌ها مثل اینکه... - پنج شش صفحه است، شاید هفت هشت صفحه باشد - خلاصه گذشتیم از سوره.

اما عجیب است سوره ابراهیم ها! می برد آدم را آن بالاها می گرداند، خبرهایی می آورد؛ عجیب است! خیلی عجیب است! خیلی عجیب!

خُب چه کنیم حالا سوره «اسراء» عجیب آیاتی دارد! آدم روی هر آیه ای باید چشمش را ببندد و رد بشود همین! غیر از اینکه چاره ای نیست؛ اگر بخواهد وارد بشود در معنایش و در بطنش و اینها، هر کدامش انسان یک میلیون سال بایستی در یک عوالم نوری عبور بدهد، تازه انسان حق آن عالم را هم ادا نکرده!

علی کل تقدیر ﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ﴾ اول این آیه را که داریم شروع می کنیم چند تا آیه شد مجموعاً؟ سیزده آیه.

﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا﴾ تفسیر این آیه را گفتیم، «با خدا، خدای دیگر انتخاب نکن، قرار نده! اگر با خدا خدای دیگر را شریک قرار بدهی نشسته می شوی، افتاده می شوی، دیگر قَدَّت قائم نیست، روی پای خودت سوار نیستی، توسری خورده می شوی، افتاده می شوی، کوفته می شوی.» ﴿فَتَقْعُدَ﴾ «می نشینی» در چه حال؟ توسری خورده! مذموم، مورد مذمت، تمام این عالم ملک و ملکوت تو را مذمت می کنند و ﴿مَخْذُولًا﴾ ذلیل!

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ «کسانی که ایمان به خدا دارند و با خدا شریکی نمی آورند اینها عزیزند، سرشان بلند است، چون به خدا پیوسته اند، آنهایی که به خدا پیوسته نیستند بریده اند.» عجیب قرآن مجید بیان می کند! عجیب بیان می کند! در سوره «رعد» چند آیه راجع به مخلصین بیان می کند که خیلی عجیب است! حالا بگذریم دیگر از این آیات ما تجاوز نکنیم. ﴿مَخْذُولًا﴾ «ذلیل می شوی، خذلان دامن تو را می گیرد.»

۱- سوره المنافقون (۶۳) قسمتی از آیه ۸.

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾^۱ «خدا حکم کرده که غیر از او کسی را عبادت نکنید!» ﴿وَيَالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾ «به پدر و مادر خیلی نیکی کنید! احسان!»
 ﴿إِنَّمَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾^۲ اگر پدرت، مادرت، یکی از این دو تا، یا هر دو پیر شدند، به سر و صدا افتادند، به ناله افتادند، به غرغر افتادند، - طبعاً انسان که پیر می‌شود ضعیف می‌شود، آدم هم که مریض می‌شود ضعیف می‌شود، این دو جهت ضعف در او پیدا می‌شود، ت حملش کم می‌شود؛ داد و بیداد می‌کند ما اسمش را می‌گذاریم غرغر! اما به حساب آیه که غرغر نیست، استعداد رفته سر و صدایش بلند می‌شود.

مثل این ماشینهایی که کهنه شده و در و زوارش در رفته، این وقتی تا بخواهی راهش بیندازی صدا می‌کند؛ هرچی بیاید این ماشین را شما نصیحت کن آقا جان من! عزیز من آخر چرا همچین شدی! تو توی این دنیا عمر کردی کمال پیدا کنی، آن روز که از کمپانی آوردمت، وقتی آدم سوار می‌شد مثل حجله عروس می‌رفتی! حالا چطور شده که انسان تا گاز می‌دهد قار، قار، قار، قار؟! این چه حسابی است؟! این جواب انسان را می‌دهد: آقاجاسن پیر شدم!

خدا رحمت کند مرحوم آشیخ محمد بهاری (برادر عیال همین آقای آمیرزا محمد مجاهد از علمای نجف بود؛ همان که آمد اینجا نود ساله بود و فوت کرد، این نوه مرحوم آخوند ملا حسین قلی همدانی است.) یکروز در دکان سبزی فروشی بود در نجف، ما هم رفتیم سبزی بخریم آن هم ایستاده بود سبزی بخرد.

۱- سوره الإسراء (۱۷) صدر آیه ۲۳ .

۲- سوره الإسراء (۱۷) ذیل آیه ۲۳ .

گفتم: آقا چطور حال شما؟ گفت: آه آه نگو آقا! حال کجا رفت؟ نه کمر داریم،

نه قوه داریم، هیچی نداریم؛ بعد این شعر را برای من خواند، گفت:

در جوانی کسی به من می گفت شیر اگر پیر هم بُود شیر است

چون به پیری رسیدم و دیدم شیر اگر پیر بود پیر است

پس بنابراین: ما وقتی پیر می شویم و شکسته می شویم، مریض می شویم، به سر و صدا می افتیم. راننده این ماشین اگر تا دید این ماشین غرغر می کند بیاید پائین و عصبانی بشود، دو تا لگد هم بزند به این ماشین، هم پای خودش را درد آورده، هم ماشین را خراب کرده!

این باید بیاید اینجایش را نگاه کند آنجایش را نگاه کند، روغنش را بریزد، دستمال بمالد، پیچش را باز کند، بعضی جاهایش را عوض کند، سعی کند تو سنگلاخ این ماشین را راه نبرد، بار زیاد به آن نزند، تا اینکه از این ماشین بتواند یک چند روزی استفاده کند.

با مادر و پدر هم باید همین کار را کرد، عزیزم! جانم! صبر کن! دنیا همینطور است! رختخوابش را درست کنید، آب بدهید دستش، غذایش را بیاورید، امرش را اطاعت کنید، قرآن دارد اینطور می گوید ها! حالا ما می خواهیم یک آیه را، می خواهیم معنا کنیم مجمل و مختصر.

﴿إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ﴾ «آخ به

آنها نگوئید!» و بعد از اینکه می گوید: ﴿قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾ می آید سراغ پدر و مادر! «حکم کرد خدا که غیر از او را نپرستید، به پدر و مادر احسان کنید!» خیلی عجیب است! یکمرتبه از خودش، از عبادت خودش، می آید سراغ پدر و مادر! ﴿إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ﴾ «آف به آن نگو، آخ به آنها نگو، سمعاً و طاعة!»

﴿وَلَا تَنْهَرَهُمَا﴾ «آنها را از خود نرنجان، دور نکن! داد زن سرشان! آزرده نکن! نه‌رشان نکن!» - نه‌ر به هاء هَوَّزْ نه هاء حُطَى - یعنی: دورشان نکن! پرخاش به آنها نکن! نه‌ر یعنی: پرخاش.

﴿وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ «آرام، بزرگوارانه، شرافتمندانه، (کریم یعنی بزرگ) بزرگ‌منش با آنها صحبت کن! از میدان در نرو! بگذار آنها هر کاری می‌خواهند بکنند، تو از میدان در نرو.»

﴿وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾^۱ «دو تا بال ذُلَّت در مقابل عَزَّت، در مقابل آنها آقایی نکن ها! در مقابل آنها آقایی نکن! سرت را بلند نکن! در مقابل آنها کوچکی کن.» بعضی از جاها کوچکی کردن مطلوب است. انسان باید عزیز باشد اما نه پیش پدر و مادرش.

در روایات داریم: بهترین زنهای شما آن زنی است که در خانه شوهر در مقابل شوهر ذلیل باشد، در پیش پدر و مادرش عزیز. یعنی چی ذلیل؟ یعنی پیش شوهر نرم باشد، مطیع باشد، با آغوش باز اوامر او را استقبال کند، در مقابل شوهر خشن نباشد، چماق نباشد؛ حساب است دیگر! پیش پدر و مادر می‌رود آنجا سر بلند باشد، عزیز باشد پیش بستگان خودش آنجا از آنها حرف گوش نکند!

و بدترین زنهای شما آن زنی است که پیش شوهر عزیز است پیش اهلش ذلیل! پیش شوهر: تو بگو من بگو، تو بگو من، تو بگو من، من بگو؛ حال تمکین و تسلیم و إطاعت و إنقیاد در او نیست. پیش اهل خودش ذلیل است، هرچی بگویند توی گوشش فرو می‌رود و آنها را می‌آید به رخ شوهر می‌کشد. پیغمبر فرمود: «بهترین زنهای شما اینها و بدترین زنهای شما آنها هستند.»

۱- سوره الإسراء (۱۷) صدر آیه ۲۴ .

﴿وَآخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾ «بالهای رحمت خود را بر آنها پائین بیاور از روی فروتنی و تواضع و خشوع! نه از روی غیظ و غضب و ناچاری.» همینطوری که مرغ وقتی می‌خواهد او را بگیرد بالهایش را جمع می‌کند و تسلیم می‌شود از روی اضطراب و ناچاری، شما بالهای قدرت خود را در مقابل پدر و مادر بشکنید، فرود بیاورید، پائین بیاورید اما از روی رحمت؛ قدرت دارید بال بزنید ها! و بپرید پرواز کنید، از دست فرمان آنها پرواز کنید و خود را راحت کنید، اما این کار را نکنید!

مادر پیر شده، پدر پیر شده، توی خانه تنها نگذارش یک کلفت و یک نوکر هم پیشش باشد خدمتش کند! بیاور توی خانه‌ای که خودت دوست داری. آن اطاق پذیرایی عالی در آن بهترین طبقه را برای او بگذار! اطاقی که مایلی برای خودت، نه اطاقی که دم در است مال او باشد و اطاق عالی برای خودت! این کار را نکن! این کار لطف ندارد، یمن ندارد، برکت ندارد، این کارها روح و جان ندارد.

﴿وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾^۱ و علاوه بر این همیشه دعا بکن آنها را! بگو: «خدایا بر این دو رحمت بفرست، همینطوری که این دو تا من را تربیت کردند و پرورش دادند در دوران کودکی.» اگر اینها نبودند من کجا بودم؟ این من با این همه سنگینی که ترازوهای شیطان نمی‌تواند این منیت را واقعاً بکشد و شیطان از دست این منیت من عاجز می‌شود، اینها مرا تربیت کردند؛ از کوچکی من را درست کردند و تربیت کردند، و این دست و آن دست، و بدون توقع مرا تربیت کردند، بزرگ کردند؛ خدایا همیشه بر آنها رحمت بفرست چه در حالتی که زنده‌اند و چه در حالتی که از دنیا رفته‌اند!

۱- سوره الإسراء (۱۷) ذیل آیه ۲۴.

﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنَّ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ

عَفُورًا﴾^۱ «خدا می‌داند شما چکاره هستید و در نفسهای خود چه ذخیره کردید، اگر از پدر و مادران رنجیده باشید، آنها شما را رنجانده باشند، اگر الان بخواهید برگردید به سوی خدا و توبه کنید و تغییر روش بدهید، خدا از شما قبول می‌کند». حالا تا به حال این مطالب، این آیات قرآن به گوشتان نخورده بود با پدر و مادر کج سلوکی کردید الان که فهمیدید برگردید! خدا می‌داند، از قلب شما آگاه است که الان می‌خواهید برگردید یا نه! اگر صلاح و راه رشد و رُقءاء را برای خود انتخاب کنید، خداوند برای بازگشتگان و رجوع کنندگان به سوی او بالهای رحمت و مغفرت خود را باز کرده و همه را می‌پذیرد؛ برگرد تا آن هم بپذیرد.

﴿وَأَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ﴾^۲ «به نزدیکان، به ابن

سبیل، به مساکین حق آنها را بده، آنها حقی دارند.» وقتی می‌خواهید از دار دنیا بروید مالت را فقط تنها برای ورثه نگذار! ورثه جنابعالی فلان آقا، و فلان خانم تنها و یک مخدره محله جلیله حلیله، که از نقطه نظر ظاهری که از ارث می‌برد، برای ذوی القربای خود هم وصیت کن!

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ

وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾^۳ بگو آقا از این سرمایه من به آن دختر خاله من که بینواست حقی بدهید! به آن دختر عمه ام حقی بدهید! به عموی من

۱- سوره الإسراء (۱۷) آیه ۲۵ .

۲- سوره الإسراء (۱۷) صدر آیه ۲۶ .

۳- سوره البقرة (۲) آیه ۱۸۰ .

حَقِّی بدهید! به آن نوّه دایی من حَقِّی بدهید! اینها اَقربین هستند و ندارند، برای اینها حَقِّی قرار بده!

و چقدر خوب است مساعدت به ارحام و نزدیکان! یکی از کلیدهایی که خیلی خیلی محکم است، (کلیدهای آسمان) و به واسطه رسیدگی به اَقرباء و نزدیکان باز می‌شود، همین است! صلّه رحم!

صلّه رحم معنایش چیه؟ معنایش این است که: اوّل إفطار ماه رمضان که می‌شود انسان و عیالاتش و همه، بلند بشود برود در بزند در خانه خواهرش بریزد توی آن خانه، آنها کلافه بشوند؟! غذا برای خودشان ندارند، خسته، ابرومند، حالا هم یک جماعتی آمده اینجا ریخته برای صلّه رحم! بعد بنشینند، صحبت می‌کند تا نزدیک اذان صبح! از کار و بار و زندگی و دعا همه چیز می‌اندازد، این شد صلّه رحم؟ آقا جان این قطع رحم است! صلّه رحم بدست آوردن دل اوست، خشنود کردن او، و به طریق احسن قضاء حوائج اوست.

اگر می‌خواهید بروی، سرزده می‌خواهی بروی آنجا، سرزده ناراحت می‌شود، خبر بده یک آبگوشتش را آبش را زیاد کند، اقلّاً خجالت نکشد! نگو من شأنم نیست که با خبر بیایم؛ نخیر! شما اینقدر خودت را می‌خواهی ببری بالا که بگویی شأنم نیست که من با خبر بیایم؟! اصلاً من اینقدر آقا هستم که می‌خواهم بی خبر وارد بشوم و نگویم.

هرجا صلاح می‌دانی که بروی، برو! هر جا صلاح می‌دانی بروی، نرو! هر جا بهتر است.

بعضی‌ها را باید کمک کنی بدون اینکه بفهمند کمک از ناحیه توست؛ بعضی‌ها را کمک باید بکنی بفهمند که این کمک از ناحیه توست؛ فرق می‌کند صُور و آشکال صلّه رحم.

ذوی القربی هم اینطوری شد. از این ماهی که سرخ کردی و دودش بلند شده، اگر آن نوۀ عمّات یا دختر خاله‌ات هم اطلاع پیدا کرد، یک تکه برای او بده، اشکال ندارد؛ از گنج خدا هم نترس، باک هم نداشته باشد.

این حال شرک است که در انسان پیدا می‌شود و انسان می‌ترسد جلوی خودش را می‌گیرد، هی ترمز می‌کند از انفاق! آن آیه شریفه چی بود خواندیم؟ ﴿قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ﴾^۱ «ای پیغمبر به این مشرکین بگو: این نفس خبیث و این نفس بخیل و نفس شقی که شما دارید اگر مالک بشوید تمام خزائن رحمت خدای مرا، کلید تمام انبارهای دنیا را به شما بدهند، انبارهای گندم، انبارهای جو، انبارهای برنج، انبارهای روغن، انبارهای طلا، انبارهای سعادت، انبارهای دوا، انبارهای کتاب همه را بدهند به شما باز هم دلتان نمی‌آید انفاق کنید، می‌ترسید انفاق کنید.» کم نمی‌آید زیادتر هم می‌شود!

﴿وَأَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ﴾ «به ابن السبیل و به ذا القربی و المساکین حق آنها را بده!»

﴿وَلَا تَبْذِرْ تَبْدِيرًا﴾^۲ «زیاد روی نکن!» حالا که می‌دهی عیالات خود را گرسنه نگذار و هرچی داری بدهی! آن هم صحیح نیست. من همچو آدمی هستم لوطی منش، یکمرتبه تمام اموال خودم را در راه خدا انفاق می‌کنم! غلط است، صحیح نیست! عیالات را، خداوند علیّ اعلیٰ تو را قرار داده سرپرست آنها و کفیل امر آنها، و باید از عهده اداره آنها هم بر بیائی! صحیح نیست این کار.

۱- سوره الإسراء (۱۷) صدر آیه ۱۰۰ .

۲- سوره الإسراء (۱۷) ذیل آیه ۲۶ .

ما دوست داریم هر چی در می‌آوریم تمام منافع را در فلان هیئت صرف کنیم، با فلان هیئت برویم کربلا و برویم نجف و برگردیم، و مشهد برویم، زن خانه در استیصال و در شدت زندگی می‌کند! این گناه است این ثواب نیست، این إعوجاج طریق است، این زیارت امام نیست؛ این حرکت بسوی ضدّ و به راه ضدّ امام است! ﴿وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا﴾^۱ إنفاق بکن، ولی برای خود بگذار کمی هم بده! همه را جمع نکن، همه را هم نده! افراط و تفریط هر دو غلط است؛ خیرُ الأُمُور أوسطها.

﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ﴾^۱ «آن کسانی که تبذیر می‌کنند، زیاد می‌دهند، اینها برادران شیطانند!»

﴿وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾^۲ «و شیطان نسبت به پروردگار خود خیلی کفران نعمت می‌کند.» یا اسراف می‌کند یا تبذیر.

اسراف زیاده از حدّ مصرف کردن است و تبذیر در غیر مورد صرف کردن است. پول در می‌آوری بگذاری پای سینما، این تبذیر است؛ پای قمار می‌دهی، پای شرب خمر می‌دهی، این تبذیر است؛ این را اسراف نمی‌گویند این تبذیر است؛ کسانی که این کارها را می‌کنند إخوان شیاطین هستند. پول در می‌آوری، عرق می‌ریزی، زحمت می‌کشی، می‌روی در منزل خودت یک رادیو، یک تلویزیون می‌خری می‌گذاری، این تبذیر است؛ گناه است! علاوه بر مفسد دیگر، خود این کار، کار غلط است! تبذیر است!

۱- سوره الإسراء (۱۷) صدر آیه ۲۷ .

۲- سوره الإسراء (۱۷) ذیل آیه ۲۷ .

﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ﴾ اینها عقد اُخْوَت بستند با شیطان؛ چون بالآخره عقد اُخْوَت انسان باید ببندد دیگر! نمی شود انسان در دنیا یک برادر نداشته باشد.

پیغمبر اکرم در مکه یک عقد اُخْوَت بستند بین مهاجرین، و در مدینه یک عقد اُخْوَت بستند بین مهاجر و انصار؛ ابوبکر برادر می خواهد دیگر، جناب عمر برادر است برای ابوبکر! عثمان برادر می خواهد، عبدالرحمن بن عوف برادر او بود! برادر برای او قرار دادند؛ - در همه یک سنخیت ملاحظه شده - ابوذر غفاری با عمار است؛ امیرالمؤمنین ماند آخر صف، کلافه شد امیرالمؤمنین، پیغمبر برای همه اصحاب برادر قرار داده اما برای امیرالمؤمنین هنوز قرار نداده؛ دل امیرالمؤمنین گرفت! در بعضی از روایات داریم.

امیرالمؤمنین آمدند؛ - در مجلس رسول خدا یک چند روزی هم برادر قرار می دادند، برای امیرالمؤمنین برادری قرار نمی دهند - حضرت حرکت کرد آمد در یکی از نواحی مدینه، باد هم می آمد، بادهای تندی می آمد و خاک می آورد، حضرت گرفته کنار دیواری، حضرت سرش را گذاشته خوابیده؛ غصه دار هم که بود، بادهای هم آمد و روی امیرالمؤمنین مقداری از این گرد و خاکها ریخت.

پیغمبر گفتند: برادرم علی کجاست؟ گفتند: رفته بیرون، در فلان جا؛ حضرت خودشان آمدند نگاه کردند دیدند امیرالمؤمنین خوابیده، اوقاتش هم تلخ است! پا زدند به امیرالمؤمنین، بلندشو، بلندشو، یا اباتراب! - این لقبی است که پیغمبر به امیرالمؤمنین دادند؛ یعنی ای صاحب خاک! ای خاک نشین! ای رفیق خاک! انسان خوب نیست که اباً ذهب باشد، اباً فضه باشد، رفیق طلا و نقره! رفیق جواهر و الماس؛ ای اباً تراب! ای رفیق خاک! خیلی خوب لقبی است. -

«من تو را برادر برای خودم قرار دادم.» «أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ أَخِي؟!» «تو راضی نیستی برادر من باشی؟!»

سنخیت خلاصه باید ملاحظه بشود؛ سنخ پیغمبر در دنیا غیر از امیرالمؤمنین نیست، سنخ امیرالمؤمنین غیر از پیغمبر نیست. ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ﴾ «مبدرین برادران شیطانند!» اینجا هم عقد اُخوتی بین اینها و شیطان بسته شده.

﴿وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا * وَإِنَّمَا تَعْرِضَنَّ عَنْهُمْ أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا﴾^۱ اگر پول نداری که به اقوام و خویشاوندانت کمک کنی، حوائج آنها را برآورده کنی، مریض است نمی‌توانی بیمارستانش ببری برای او طیب ببری، دوا ببری، غذا ببری، تحفه مختصر ببر! برو عیادتش یک دانه سیخ برایش کباب ببر! یک دانه به ببر! خوشحالش کن به همین! اگر آنرا نداری ببری زبان خوش که داری برو پیشش بنشین و با خوبی با او صحبت بکن! ﴿وَإِنَّمَا تَعْرِضَنَّ عَنْهُمْ﴾ نمیتوانی به آنها کمک کنی ﴿أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا﴾ و دنبال رحمت خدا بگردی که هان یک کاری کنی، پول بده سر و صورتشان را بشور، تا هنگامی که نداده به آنها توهین نکن، اخم نکن، آنها را نرنجان!

اگر یکوقت منزل تو آمدند و آنها ندار بودند، رخت و لباسشان پاره بود، لباسشان وصله‌ای بود، آنها را در دهلیز خانه نشان! اگر آنها بیایند روی نیمکت و مبل شما بنشینند باورکنید از میز و نیمکت شما کم نمی‌شود، برکت هم پیدا

۱- سوره الإسراء (۱۷) ذیل آیه ۱۷ و آیه ۲۸ .

می‌کند؛ بگذار بیایند اینها توی خانه، خانه را پُر کنند، بیایند، بروند، رفت و آمد کنند، نه اینکه در اطاق میهمان‌خانه بسته باشد و آنها رنگ منزل را نبینند!

اگر هم بخواهیم اِنفاق کنیم ما خشکه می‌دهیم، خشکه برنج و روغن می‌دهیم! - خشکه از همان خشکه‌های آهنی که جهنم به سر انسان می‌خورد، خشکه بدرد نمی‌خورد! چُدن و خشکه خوب نیست ها! فولاد خشکه اینها! آهن باید وقتی می‌رود توی کوره نرم بشود، اما یک کمی پتاسیم و مورگان و مواد فسفوری و مواد زغالی قاطیش کنی می‌شود خشکه؛ خشکه خیلی عجیب است! آهن می‌برد، درحالی که چماق بشود به سر آدم می‌خورد. - خشکه را اِنفاق نکن! گوسفند بکش توی منزلت، غذا توی منزل طبخ کن! دیگ را بار بگذار، دود کند، آنها بیایند از دودش بخورند، از خود غذا هم توی منزل بخورند؛ توی منزل! این خوب است. خدا نمی‌خواهد به آنها تنها تو کمک مادی کنی، کمک مادی اگر تنها منظور بود که خدا می‌کرد، آنها را هم سیر می‌کرد؛ می‌خواهد دلها به هم ببیوندد، دلها به این قسم به هم نمی‌پیوندد.

اگر خواستی برای آقا زاده‌ات عروسی کنی عقدکنان کنی بگو بیایند توی منزل غذا بخورند، جشن هم توی منزل بگیر، توی تالار بگیر! این تالارها مجهول الهویّه است! این ساعت ساز می‌زنند و عرق می‌خورند، ساعت دیگر هم چه عرض کنیم دیگر؛ این ساعت بوق گرامافون روشن است ساعت دیگر هم نوحه می‌گذارند!

و ما از پیغمبر دستور داریم زنهای خود را به حمّامهای عمومی، به مجالس عمومی، به عروسیهای عمومی نفرستید! لعنت کرده است خدا یک مردی را که این زن خود را به مجالس عمومی و عروسی‌ها و حمّامهای عمومی نفرستد!! آیات اطلاق دارد، لعنت کرده است خدا کسی که برای زنش لباسهای نازک بخرد!

نه اینکه حتماً مرد اجنبی ببیند این آیه، روایت اطلاق دارد! اطلاق برای چیه؟! منتهی اینقدر کم گفته می‌شود که اصلاً انسان خیال نمی‌کند که اینها جزء متن اسلام باشد.

قوم و خویشهایت را دعوت کن توی منزل! اگر عیالت نمی‌تواند از عهده بر بیاید خود آنها بگو بیایند! گوسفند را می‌کشند مردها؛ زنها می‌نشینند تکه تکه می‌کنند، خودشان می‌نشینند با همدیگر غذا می‌خورند چه کیفها می‌کنند! این خوب است!

چقدر سابقاً خوب بود! این زنها جمع می‌شدند یک روز این منزل، یک روز آن منزل، یکی سبزی خرد می‌کرد، یکی رشته می‌برید، یکی نخود لوبیا پاک می‌کرد، یکی سوره قرآن می‌خواند، خلاصه آش رشته را بار می‌کردند و یک آش ابودرداء! می‌نشستند همه با همدیگر صبح تا غروب، نه غیبتی، نه تهمت، روزه خودشان را هم به این قسم می‌گرفتند، دلها هم با همدیگر؛ نه دختر خاله با دختر خاله دشمن بود، نه مادر شوهر با عروس، نه خواهر شوهر، همه اینها با همدیگر یکدل و صمیم؛ حالا دو تا برادر نمی‌توانند توی صورت همدیگر نگاه کنند! این از اینطرف می‌رود، آن از آنطرف می‌رود، این اینطرف را نگاه می‌کند، آن آنطرف را، که همدیگر را نگاه نکنند! ﴿كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا﴾^۱ اینها احوالات جهنمی هاست ها!

حالا نمی‌توانی از دوستان و از مساکین و از ذوی القربی و از ابن السبیل و از قوم و خویشان دستگیری کنی ارتباط خود را از دست نده؛ بعضی اوقات برو سرشان بزن! حال شما چطور، حال شما إن شاء الله خوب است، إن شاء الله

۱- سوره الأعراف (۷) قسمتی از آیه ۳۸.

اینطور باشید، اینطور باشید، ما هم مثل شما، گرفتاری برای همه هست، یک روز بالاست یک روز پائین؛ دلش بدست می آید، قلبش به رحم می آید.

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ

مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾^۱ «حالا که می خواهی اینفاق کنی، نه آنقدر اینفاق کن که هرچی داری بدهی و نه آنقدر اینفاق نکن که مانند دستهای دست به گردن بسته و غل زده شده هیچ دستت باز نشود.»

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ﴾ دستت را غل زده به گردنت آویزان

نکن! یک دستت را باز کن، بکن توی جیب بگیر دستش را! پول درشت در بیاور! یک خورده همچین کن!

﴿وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾ خیلی هم باز نکن دستت را ها! که پیراهنت را

هم از تو بگیرند. ﴿فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ «می نشینی ملامت زده و حسرت زده شده!» اگر هرچی داری بدهی بچه‌ات از تو می خواهد، می گوید که: من را خداوند علیّ اعلیٰ رعیت تو قرار داد و تو را کفیل من، چرا از عهده من برنیامدی؟ چرا از عهده تربیت من برنیامدی؟ چرا بدن من کمبود پیدا کرد؟ روح من، اخلاق من کمبود پیدا کرد؟ چرا من را مدرسه اسلامی نگذاشتی؟ چرا خدا و پیغمبر را توی گوش من، باباجان نخواندی؟ چرا من را یک جائی گذاشتی که حرفهائی به من بزنند که دین من را خراب کنند؟ من که معصوم بودم! اصلاً اختیار نداشتم، تو من را به اینجاها گذاشتی و به اینجاها آوردی.

۱- سوره الإسراء (۱۷) آیه ۲۹.

پس بنابر این اگر ماهی هزار تومان، دو هزار تومان پول بدهی برای بچه‌ات که مسلمان بار بیاید این کار را باید بکنی؛ و اگر نکردی آمدی هزار تومان، دو هزار تومان به هیئت دادی آن خلاف راه است و خلاف طریق است!

پول را هرچی گیر می‌آورید در مصالح خودتان خرج کنید! مصالح می‌دانید معنایش چیه؟ یعنی کمال، یعنی انسانیت، شرفتان، عزتتان، عصمتتان، اخلاقتان، تربیتتان با آن پول حفظ بشود، هرچی مصرف کنید گناه ندارد؛ اما اگر نه، یک خُرده جلوی پول را باز کنید با آن عزت و شرف و عصمت و اخلاق حفظ نکنید و لو مختصر باشد ها جلویش را بگیرید! پول خودتان را بیجا خرج کردید!

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾
«ای پیغمبر بدان که خدا روزی را بر مردم باز می‌کند، خدا به هر کس که بخواهد سعه معیشت می‌دهد و به هر کس که بخواهد روزی او را تنگ می‌کند.»

اینکه دستور داده شده به بقیه انفاق کنید، برای امتحان مردم است که مردم از آن حالت خست و بخل و حرص و شح بیرون بیایند؛ این کثافات آهن پاک بشود، زغالهایش بریزد، این طلا تیزابی بشود و پاک بشود؛ نه اینکه خدا می‌خواست به مردم انفاق کند و آمده از شما استمداد کرده که حالا شما رنج بردید، عرق ریختید، زحمت کشیدید، گندم و جوی بی بدست آوردید یکقدری به خزائن ما کمک کردید، حالا هم فلان فقیر را گرسنه نگذار کمکش کن! آبروی ما را محض رضای خدا جلوی فلان فقیر نبر!! نه اینطور نیست! مثل اینکه تا اینجاها إجمالاً هفته پیش یک خُرده رویش صحبت شد.

۱- سوره الإسراء (۱۷) آیه ۳۰.

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾^۱ «اولاد خودتان را از ترس گرسنگی نکشید ما آنها را و شما را روزی می دهیم.»

کشتن اولاد گناه بسیار بزرگی است! خطای بسیار بزرگی است! این آیاتی که به نظر ما می رسید می گفتیم: الحمد لله ما که از اعراب جاهلی نیستیم که فرزندان خود را از ترس فقر و گرسنگی بکشیم؛ این کار آن اعراب جاهلی بود که دختران خود را می رفتند زنده زنده زیر زمین می کردند که مبادا یکروز فقیر بشوند و از عهده مخارج آنها بر نیایند، نه! اولاد خود را از ترس إملاق نکشید! قتل جنین قتل اولاد است!!

زن آبستن اگر بچه خود را سقط کند معصیت، معصیت کبیره است! قتل نفس است! قتل نفس محترمه است! مؤمن کُشی است! از ترس فقر این کار را نکنید! آقا دو تا اولاد دارم بس است! سه تا دارم بس است! پدرم درآمد نمی توانم از عهده خرجشان بر بیایم! اگر انسان بخواهد اِتِّکاء به خودش کند از عهده یکیش هم بر نمی آید، از عهده خودش هم بر نمی آید! اگر بسپرد به خدا صد تایش هم باشد کم است، دویستایش هم باشد کم است! چی می گوید انسان؟! فکرش کجاست!؟

آن خدائی که دارد آسمان را می گرداند، زمین را می گرداند، خورشید را می گرداند، مریخ را می گرداند، زُحَل و مشتری و کواکب و افلاک و سیارات و ماهیهای دریا و چه خبرها هست عجائب المخلوقات! آنوقت از چهار مثقال برنج

۱- سوره الإسراء (۱۷) آیه ۳۱.

یا نیم لیتر شیر به این بچه معصوم خزائن غیب درش بسته شده و دیگر نمی‌تواند به ما بدهد؟!!

اینها همه آقا تبلیغات کفر است! زندگی بهتر اولاد کمتر؛ خُب این زن چه کند آقا؟ این زن باید آبستن بشود یا نه؟ اگر آبستن نشود هزار تا مرض می‌گیرد! زن اگر آبستن نشود مریض می‌شود به هر قسمی که باشد! قرص بخورد مریض می‌شود، مرض أعصاب می‌گیرد، مرض قلب می‌گیرد، مرض جنون می‌گیرد، مرضهای غیر قابل معالجه می‌گیرد! زنهایی که قرص می‌خورند که عادت زنانگی خودشان جلو و عقب بیافتد همه مریض می‌شوند! دستگاه استعمال کنند برای اینکه رحم نطفه نپذیرد مبتلا می‌شوند به امراضی! سرطان رحم می‌گیرند! غالب زنهایی که امراض رحمی دارند، سرطان رحم، مال همین جلوگیری‌هاست! هر قسمی.

و زنی که حائض می‌شود، سلامتیش به این است که آبستن بشود، بزاد! آبستن بشود، بزاد! زن باید آبستن بشود و بزاد!

زن از هنگامی که بالغ می‌شود تا هنگامی که یائسه می‌شود باید آبستن بشود و بچه بیاورد و بزاد؛ حالا در این دوره بیست تا، ده تا، پانزده تا، پنج تا، هرچی، این سلامت مزاج زن است؛ اگر نه زن مریض می‌شود! مرض أعصاب می‌گیرد، مرض قلب می‌گیرد، کلیه‌اش ورم می‌کند، سقوط می‌کند!

عمرها چرا الان دیگر از پنجاه شد پنجاه و یک، می‌گویند که خُب الحمد لله یک عمری کرده، مسن بود؛ چرا اینطور می‌شود آقا؟ خدا نمی‌تواند از عهده روزی بر بیاید؟! انسان اگر فرض کنید دوتا سه تا هم به اندازه دوتا است. اولاد کمتر زندگی پُر دخمسه‌تر! زندگی شیطانی‌تر! اینها آقا رحمتند!

پیغمبر می گوید:

روی مرا روز قیامت به گویندگان «لا إله إلا الله» سفید کنید! من افتخار می کنم به آن بچۀ مؤمنی که سقط شده بدون اختیار و از دنیا رفته!
چون پدر و مادرش مؤمن بودند این مؤمن روز قیامت می آید کنار بهشت می ایستد مثل آقاها، دست می زند اینجا، اینجا کمرش، سینه و شکمش را هم می آورد جلو؛ ملائکه می گویند: آقازاده بفرما بهشت، می گوید: من نمی روم تا پدر و مادرم را زودتر داخل بهشت کنم! بچۀ سقط، روز قیامت شفاعت از پدر و مادرش می کند!

تَنَاقَحُوا، تَنَاسَلُوا، فَكَثُرُوا، فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ! يَقَعُ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مُحْبَنطِيًّا فَيَقَالُ لَهُ أُدْخَلُ فَيَقُولُ لَا، حَتَّى يَدْخُلَ مَعِيَ أَبُوَاي! اینها را ما می خوانیم اما در مقام عملش گیریم!
در مجالس می خوانیم:

قال النبي صَلَّى الله عليه و ءاله و سلم: النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي

«نکاح سنت من است کسی که از سنت من إعراض کند از من نیست.»
با کی ازدواج کنم؟ باکی ازدواج کنم؟ با چه شرایطی؟ «أَنْكِحُوا الْأَيِّمِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

ای مردها! ای خانمها! ای اولیاء! بچه‌هایتان را بهم بدهید، فکر فقر نکنید!
 اگر کسی آمد خواستگاری دخترتان دیدید فقیر بود، بدهید! نگوئید: آقا مال از
 کجا می‌آوردید! نگوئید سرمایه از کجا می‌آوردی! ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمْ
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ﴾

حالا آقا بفمائید این داماد شما چی کاره است؟ از کجا نان می‌آورد؟
 شغلشان چیست؟ درآمدشان چیست؟ خانه شخصی دارند؟ اصلاً اولین صحبتی
 که در مجالس می‌کنند این است؛ نمی‌گویند حالا آقا ایمانش چی؟ تقوایش چی؟
 اخلاقش چی؟ آقا این داماد غیرت دارد یا ندارد؟ من دخترم را می‌خواهم بدهم
 شرف دارد یا ندارد؟ می‌تواند حفظش کند عصمت خدا را یا نه؟ این صحبتها
 نیست، هیچ! پس ما همینطوری می‌خوانیم آقا: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمْ اللَّهُ مِنْ
 فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَسِعَ عَلِيمٌ﴾ اما خودمان هیچ فکر می‌کنیم خودمان هم در تحت این
 خطابیم؟!

﴿لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ﴾ «بچه‌هایتان را نکشید!» سقط جنین بچه
 کشتن است! قتل نفس محترمه است! از گناهانی است که قابل عفو نیست! در
 قرآن مجید آیه داریم کسی که نفس محترمی را بکشد ﴿فَجَزَاءُهَا جَهَنَّمُ خَالِدًا
 فِيهَا﴾^۱ مخلّد در آتش خواهد بود! حالا می‌خواهد بچه در شکم مادر نفس بکشد،
 می‌خواهد نکشد! کمتر از چهار ماه باشد، بیشتر باشد! علقه باشد، مُضغّه باشد،
 جنین باشد! وقتی نطفه در رحم منعقد شد، نطفه دو روزه که رحم نطفه را

۱- سوره النساء (۴) قسمتی از آیه ۹۳ .

پذیرفته به عنوان بچه، نمی تواند انسان سقط کند! به هر عنوان به هر صورت و به هر کیفیت بچه را نگه دارید، از ترس گرسنگی نکشید!
یک آیه داریم در قرآن:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ﴾^۱ این آیه دارد که: ﴿نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ﴾ خیلی عجیب است! «ما شما را روزی می دهیم ما آنها را روزی می دهیم؛ روزی دست ماست.» زیر آسمان را باز می کنیم تمام صحراها سبز می شود، درختها پر میوه می شود؛ آنقدر فراوانی، آنقدر نعمت می شود که اصلاً نمی شود حسابش را بکنی!

این زمین است، کجا می شود شما بدست بیاورید؟! هر جا بزنی می بیند: در بسته است؛ دست ماست بیا سراغ ما کار را درست کنیم. ﴿إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾^۲ «کشتن آنها گناه بزرگی است!»

﴿وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا﴾^۳ به زنا نزدیک نشوید، اصلاً نزدیک نشوید! نه اینکه زنا نکنید، نزدیک زنا نشوید! خیال زنا نکنید! نه زنا چشم، نه زنا گوش، نه زنا دست! زنا دست، دست زدن به زن نامحرم است! زنا چشم نگاه کردن است! زنا گوش، گوش دادن به حرف زن نامحرم است!

۱- سوره الإسراء (۱۷) صدر آیه ۳۱ .

۲- سوره الإسراء (۱۷) ذیل آیه ۳۱ .

۳- سوره الإسراء (۱۷) آیه ۳۲ .

یک تلفن می‌کنید آن خانم آهسته با شما صحبت می‌کند، - همچون آهسته، رقیق - این زناست! این زنی که در تلفن آهسته می‌کند صدایش را، دارد زنا می‌کند! زناى سَمَع است! قرآن می‌گوید که:

﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ﴾^۱

زنها که می‌خواهند صحبت کنند، آهسته صدایشان را نکنند، درست صحبت کنند! صدای آهسته زن جذب می‌کند. حالا صدای زن آهسته است، اینهم می‌آید آهسته‌تر می‌کند! فکر نمی‌کنید جهنم هم هست؟ خیال می‌کنید که از خدا اینها جلو می‌افتند؟! ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا﴾^۲ «آن کسانی که تن می‌دهند به گناه و به سیئه خیال می‌کنند از ما دارند جلو می‌افتند نه!» ﴿سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾^۳ «خیلی بد حکمی می‌کنند!»

نزدیک زنا نروید؛ چرا؟ ﴿إِنَّهُ كَانَ فَلْحِشَةً﴾ خیلی کار بدی است، فاحشه خیلی بد! رفتار خیلی بد! ﴿وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ «راه بدی است، زنا راه بدی است!» این راه بد است، این راه از بین بردن عصمت و عفت است، از بین رفتن نسب است، از بین رفتن عواطف است، از بین رفتن انسانیت است؛ خیلی بد است! دنبال این کار نروید!

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾^۴ «نفس محترمه‌ای که خداوند علی‌اعلیٰ او را محترم شمرده او را نکشید، مگر به حق!»

۱- سوره الأحزاب (۳۳) قسمتی از آیه ۳۲.

۲- سوره العنکبوت (۲۹) صدر آیه ۴.

۳- سوره العنکبوت (۲۹) ذیل آیه ۴.

۴- سوره الإسراء (۱۷) صدر آیه ۳۳.

حقّ یعنی چی؟ وقتی آدم کُشته، جزایش این است که او را بکشند، اینجا اگر انسان نفس محترمه را کشت به حقّ کشته؛ یا که جنایتی مرتکب شد که در قانون اسلام حاکم شرع او را باید بکشد؛ مرتدّ شد، دیگر این نفس محترمه نیست، حکم إرتداد به قتلش صادر می‌شود؛ یا فساد در زمین کرد و أمثال اینها. «نفس محترمه‌ای را نکشید، نفس خودتان و نفس غیر خودتان!»

انسان در شریعت اسلام مختار نیست خودش را بکشد؛ من از جان خودم سیر شدم، می‌خواهم خودم را بکشم، همچون حقّی به انسان داده نشده؛ اگر انسان إنتحار کند در جهنّم مخلّد است! چون انسان مالک خودش نیست، اگر انسان مالک خودش بود... و این إختصاص به قانون الهی دارد ها.

در هیچ یک از قوانین دنیا نیست که إنتحار حرام است؛ وقتی کسی إنتحار کرد، کدام قانون می‌تواند جلوی او را بگیرد؟ این إنتحار کرد و خودش را کشت! و قوانین ظاهری که متکفّل أمر باطن نیست و نمی‌تواند باشد؛ هیچ یک از قوانین ظاهری متکفّل أمر باطن نیست، اما قانون باطن یک چیز دیگر است؛ می‌گوید: ای انسان تو مالک خودت نیستی، کما اینکه مالک چیزهای دیگر نیستی! مالک تو و مالک چیزهای دیگر خداست؛ و خدا به تو اجازه إنتحار نداده، گفته اگر خودکشی کنی در جهنّم خواهی بود!

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ﴾ نفس خود انسان هم نفس محترمه

است دیگر، و نفس دیگر هم نفس محترمه است پس انسان نمی‌تواند بکشد ﴿إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ .

﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا﴾^۱ «آن کسی که کشته شد، اگر کسی را بی گناه کشتند ما برای ولی او، ولی دم او قدرت قرار دادیم، سلطان قرار دادیم، که بتواند قاتل را بکشد؛ حق قصاص؛» ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبٰبِ﴾^۲.

﴿فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ﴾ حالا این شخص قاتل ولی دم که می خواهد او را بکشد پس فقط قاتل را بکشد، نه دیگر برود برادرش را هم بکشد! زنش را هم بکشد! قدرت دارد برود تمام آن دهی که در بین آن یک قاتل بوده همه ده را هم بکشد، یا همه مردم را! حقّی نیست، اسراف در قتل نیست؛ فقط قاتل یک نفر کشته، می تواند آن ولی دم قاتل را بکشد.

﴿إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا﴾ «آن شخص مقتول که مظلوم واقع شده، زجر کشیده، مورد نصرت ماست.» و ما به اعطاء حق ولایتی که به ولی دم او کردیم او را ناصر قرار دادیم برای گرفتن خون او.

﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۳ «به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به قسمی که آن قسم از همه اقسام بهتر است.»

باز هم نمی گوید که مال یتیم نخورید ها! نزدیک مال یتیم نشوید مگر به یک قسمی که اگر انسان نزدیک مال یتیم نشود مال یتیم ضایع می شود دیگر! پدری از دنیا رفته مالش مانده برای بچّه صغیرش، اگر کسی نزدیک این مال نشود مال تلف می شود؛ خود بچّه هم که نمی تواند مال خودش را اداره کند؛ پس

۱- سوره الإسراء (۱۷) ذیل آیه ۳۳.

۲- سوره البقرة (۲) صدر آیه ۱۷۹.

۳- سوره الإسراء (۱۷) صدر آیه ۳۴.

باید آن قیّم، یا آن وصی، یا مجتهد جامع الشرائط، در صورتی که نباشد عدول مؤمنین، در صورتی که مردمان عادل نباشند فسّاق مؤمنین بایستی که مال یتیم را اداره کنند؛ اما چه قسم؟ ﴿بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ «به قسم أحسن به طریقی که از همه آن طریقهها نیکوتر است.»

اگر یک فرش مانده برای این بچه، ببیند این فرش را چه قسم می‌توانند نگه دارند که خراب نشود؟ اگر این فرش را برای بچه بگذارند تا سنّ بلوغ بماند بهتر است، فرش را بگذارند؛ و اگر بماند تا سنّ بلوغ این فرش خراب می‌شود فرش را بفروشد تبدیل به یک چیزی کند که خراب نشود.

اگر با آن مال بچه تجارت می‌کنند، تجارتهایی بکنند که معمولاً ضرر ندارد یا ضررش کم است، منفعتش بیشتر است، حصّه و منفعت را برای بچه در نظر بگیرند. و خودشان هم که در مال یتیم تصرف می‌کنند برای بچه باید مصلحت را منظور کنند؛ حالا کسی از دنیا رفته انسان هم باید منزل آن یتیم برود در هر یک از اثاتی زندگی بود تصرف می‌کند، اگر این تصرف به نحو أحسن و به صلاح بچه باشد ایرادی ندارد.

وَصَلَّى اللّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ وَسَلَّم تَسْلِيمًا كَثِيرًا